



انتشارات دانشگاه تهران

۱۸۱۰/۳

جلد سوم

گیاهان دارویی

دکتر علی زرگری

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

چاپ ششم



انتشارات دانشگاه تهران

۱۸۱۰/۳

چاپ ششم

جلد سوم

گیاهان دارویی

دکتر علی زرگری

۱۳۷۵



Tehran University

Publications

No 1810/3

Medicinal Plants

by

Dr. ALI ZARGARI

(Pharm .D., ph. D. Biol.)

Professor of Tehran University

of Medical Sciences

Volume Three .

Sixth edition, 1996

کتابخانه ملی

ISBN 964-03-3784-6

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KitabFarsi.com

جلد سوم

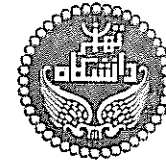
گیاهان دارویی

دکتر علی زرگری

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

چاپ ششم

www.KitabFarsi.com



اشارات دانشگاه تهران

شماره ۳/۱۸۱۰

شماره مسلسل ۳۷۸۴

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب ۳۷۸۴-۶ - ۰۳ - ۹۶۴ - 6 - 3784 - 03 - 964 ISBN

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

تیراژ چاپ: ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: آذرماه ۱۳۷۵

چاپ و صحافی مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

تیره کامبونی Compositae

تیره مهمی از گیاهان گلدار پیوسته گلبرگ و شامل تقریباً ۹۰۰۰ جنس و متجاوز از ۲۰۰۰۰ گونه است که در تمام نقاط کره زمین حتی در مناطق مختلف یک ناحیه یافت می‌شوند. بیشینه انتشار آنها در نواحی معتدله و سرد کره زمین است. بعضی از گروههای این گیاهان اختصاصاً در قاره خاصی به سر می‌برند بنحوی که از یک حد جغرافیائی معین تجاوز نمی‌کنند در حالی که برخی دیگر، پراکندگی وسیع در کره زمین حاصل نموده‌اند. بطور کلی بایرسی‌هایی که بعمل آمده، چنین معلوم گردیده است که در بین این گیاهان، آن دسته که گل‌های زیانده‌ای دارند (Liguliflorae)، بیشتر در مناطق معتدله آسیا و اروپا و بقیه در همه نواحی کره زمین مخصوصاً مناطق استوائی انتشار دارند. با محاسبه‌ای که بعمل آمده، معلوم شده است که $\frac{1}{7}$ گیاهان قاره اروپا و امریکای شمالی، بطور تقریب از این گیاهان تشکیل یافته است. در کشور ما نمونه‌های فراوانی از این گیاهان یافت می‌گردد که در همه نواحی پراکندگی حاصل نموده‌اند. در بین گیاهان این تیره، انواع داروئی فراوانی متجاوز از ۱۸۰ نمونه در دنیا وجود دارد که ۱۳ نوع آنها در کدکس ۱۹۳۷ ذکر گردیده است. از این گیاهان اخیر، ۳ گونه آنها دارای اهمیت داروئی فوق‌العاده‌اند.

گیاهان این تیره عموماً علفی، یکساله یا پایا و بندرت به صورت درختچه‌های کوچک یا درخت‌های کوچک می‌باشند. برگ‌های آنها دارای شکل و ظاهر بسیار متنوع در گونه‌های مختلف است بطوری که کلیه حالات ممکنه سازش برگ با محیط زندگی، در آنها قابل تشخیص می‌باشد و فقط تنها صفتی که در همه آنها عمومیت دارد، فقدان زائده زیر برگ یعنی استیبول در آنهاست. در بین آنها تفاوت، انواعی بابرگ‌های ساده به وضع متناوب یا متقابل، بندرت مرکب از برگچه‌های شانده‌ای و یا پنجه‌ای با پهنک منقسم به قطعات مختلف‌الشکل مشاهده می‌گردد.

از اختصاصات این گیاهان آن است که عموماً گل‌هایی مجتمع به صورت گل‌آذین کاپیتول دارند و این خود باعث می‌گردد که در همان نظر اول، پی‌به‌تشخیص تیره این گیاهان برده شود. در قاعده کاپیتول‌های این گیاهان نیز تعدادی پراکنده مختلف‌الشکل، در یک یا چند ردیف دیده می‌شود که مجموعاً آنولوکر نام دارند. علاوه بر پراکنده‌های مذکور که براکنه خارجی نامیده می‌شوند، براکنه‌های داخلی نیز در کاپیتولها بتفاوت وجود دارد که در قاعده‌گله‌ها، بر روی نهیج

قرار دارند. اینگونه براکته‌ها به علت فشردگی زیاد، به صورت زبانه نازک و ظریف و تار مانند و غیره درآمده‌اند. براکته‌های داخلی ممکن است اصولاً درکاپیتول بعضی از گیاهان این تیره دیده نشود.

گل‌های هرکاپیتول ممکن است لوله‌ای، زبانه‌ای یا بهر دو صورت و یا آنکه مرکب از دو لب متمایز باشد. تعداد گل‌های کاپیتولها نیز ممکن است کم و یا آنکه خیلی زیاد باشد مانند آنکه در گل آفتاب‌گردان، تعداد گل‌ها به ۱۰۰۰ می‌رسد در حالی که در برخی Xanthium ها، هرکاپیتول دارای بیش از یک گل نیست.

گل‌های روی نهنج کاپیتولها دارای مشخصاتی به شرح زیر است:

کاسه گل آنها بسیار کوچک و یا اصولاً فاقد آن است. جام گل در این گیاهان عموماً پیوسته گلبرگ و مرکب از ۵ لوب یا دندان (گاهی ۳ دندان) و به اشکال مختلف زیر است:

۱- در گیاهانی از این تیره که دو نوع گل لوله‌ای و زبانه‌ای دارند، گل‌های لوله‌ای آنها دارای جام منظم و منتهی به ۵ دندان است.

۲- در گیاهانی از این تیره که کاپیتول آنها منحصراً شامل گل‌های لوله‌ای است، جام گل ممکن است لوله‌ای ولی کم و بیش نامنظم و منتهی به دندان‌های ناساوی باشد. حالات حد واسط نیز در آنها دیده می‌شود.

۳- جام گل ممکن است زبانه‌ای باشد. در این نوع گل‌ها، زبانه گل قسمت نسبتاً پهنی است که از لوله جام منشاء گرفته، حالت زاویه دار با آن پیدا نموده است. گل‌های زبانه‌ای ممکن است منتهی به ۵ یا ۳ دندان باشند.

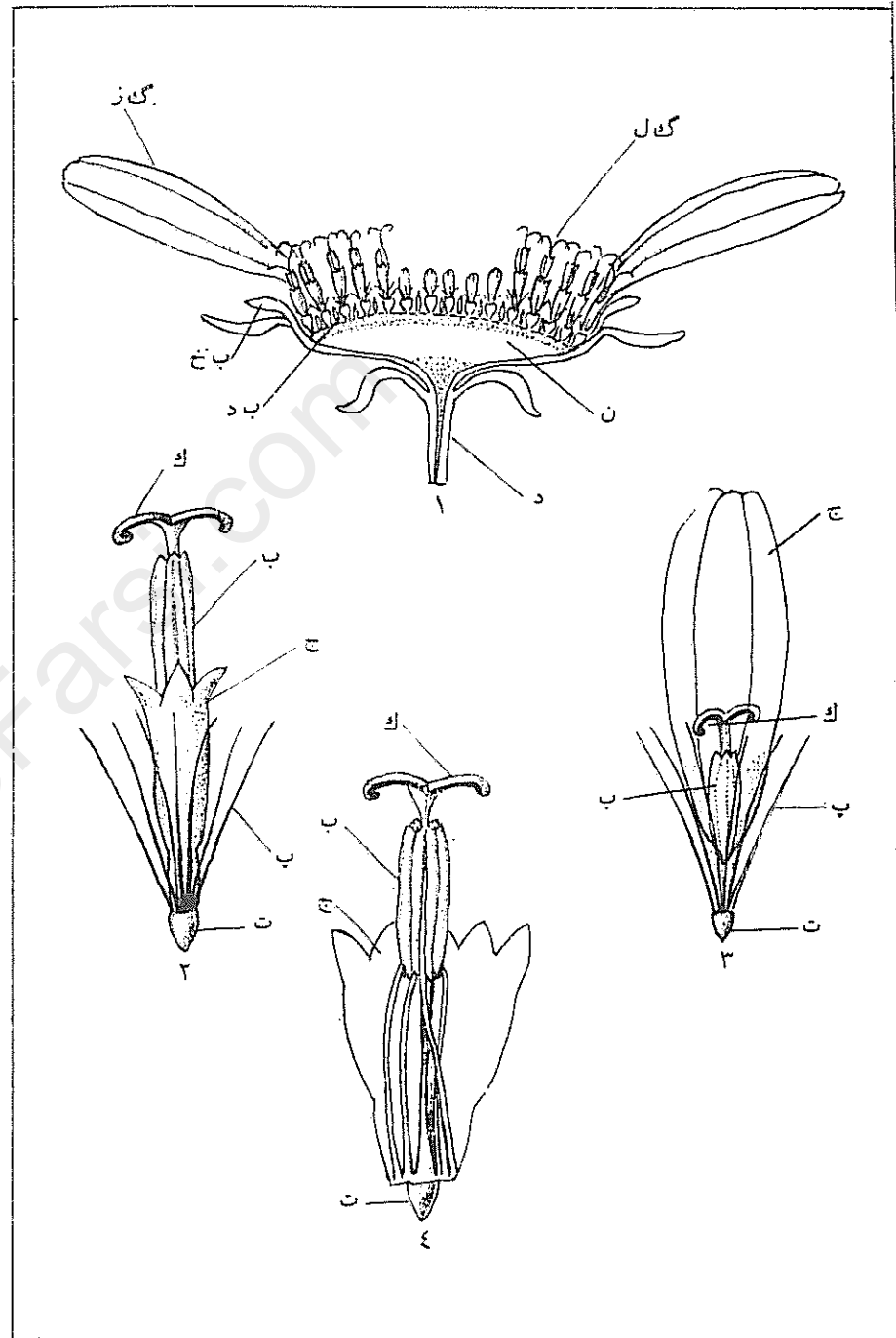
گیاهان دارای کاپیتول مرکب از گل‌های زبانه‌ای، Liguliflorae نامیده می‌شوند.

۴- جام گل در کاپیتول بعضی از این گیاهان ممکن است مرکب از ۲ لب (لب بالا شامل ۲ لوب و لب پائین شامل ۳ لوب)، شبیه گیاهان تیره نعناع باشد. این دسته از گیاهان، Labiatiflorae نامیده می‌شوند.

نافه گل در گیاهان این تیره از ۵ پرچم یا بساک‌های پیوسته به هم (۱) تشکیل می‌یابد. مادگی آنها شامل ۲ پرچه است که مجموعاً تخمدانی یک خانه، تحتانی و منتهی به یک صفحه سوله نوش، بوجود می‌آورند.

سبزه آنها، به صورت فندقه و غالباً دارای یک دسته تار به اشکال مختلف در قسمت انتهایی

۱- تیره کاسنی به علت پیوسته بودن بساک پرچمها، سابقاً تیره Synthereae نامیده می‌شده است.



ش ۱- برش قائم یک کاپیتول و اجزای آن ۲- یک گل لوله‌ای ۳- یک گل

زبانه‌ای ۴- یک گل لوله‌ای با جام باز شده

ب = بساک پ = پاپوس ت = تخمدان ج = جام گل د = دسگل ک = کاسه
 ن = نهنج ب د = براکته داخلی ب خ = براکته خارجی گ ز = گل زبانه‌ای
 گ ل = گل لوله‌ای

(پاپوس Pappus) و یا فاقد آن است. عده‌ای از گیاهان این تیره نیز سیوه‌هائی پوشیده از زوائد قلاب مانند و یا زوائد پوشیده از تارهای خشن دارند. دانه آنها دارای جنین راست ولی فاقد آلبومن است. در لپه‌های دانه آنها نیز غالباً، اندوخته‌های روغنی جای دارد.

اختصاصات تشریحی- گیاهان تیره کاسنی دارای صفات تشریحی غیریکسان اند بجزوی که انتخاب یک صفت که لااقل بتواند در دسته بزرگی از آنها عمومیت داشته باشد کم است. مشخصات تشریحی این گیاهان را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- وجود آبکش داخلی در Liguliflorae ها.
- ۲- وجود تارهای غیر ترشعی به اشکال مختلف.
- ۳- وجود تارهای ترشعی که معمولاً شامل یک پایه کوتاه و منتهی به چند سلول در قسمت آزاد خود می‌باشند.
- ۴- وجود مجاری ترشعی شیزوزن و مجاری شیرابه و یا سلولهای ترشعی.
- ۵- وجود دسته‌های فیبر بر روی حلقه‌ای در خارج آبکش گیاهان علفی.

گیاهان فراوان تیره کاسنی، مصارف مختلف با ارزش‌های متفاوت دارند. مانند آنکه در بین آنها انواعی که اثر سمی شدید داشته باشند وجود ندارد. تعداد کمی از آنها نیز دارای ارزش اقتصادی می‌باشند.

بعضی از آنها مانند کاهو، سیب زمینی ترشی وغیره، در ردیف سبزیجات و انواع خوراکی جای دارند. برخی از این گیاهان به علت داشتن سیوه‌های (دانه) روغن دار به مصارف استخراج روغن می‌رسند (مانند سیوه آفتابگردان). عده زیادی از این گیاهان نیز مانند کاسنی، باردان (Bardane)، آرتیشو (Artichaut)، بابونه، افسنتین وغیره مصارف درمانی دارند.

انواع زینتی زیبا نیز بتعداد نسبتاً فراوان مانند گل‌سینا، آهار، کوکب وغیره در بین آنها دیده می‌شود.

گیاهان تیره کاسنی را بطوری که ذکر شد، با توجه به نوع گل‌های واقع بر روی نهج، به چهار تیره فرعی زیر تقسیم می‌کنند:

Compositae	{	Tubuliflorae	دارای گل‌های لوله‌ای
		Liguliflorae	» » زیانه‌ای
		Radieae	» » لوله‌ای وزیانه‌ای
		Labiatiflorae	» » مرکب از دولب

اسروزه با توجه باینکه در بعضی Tubuliflorae ها، گل‌های ردیف خارجی کاپیتول، تغییر شکل حاصل نموده، ظاهری شبیه گل‌های زیانه‌ای پیدا میکنند و بعلاوه انواع (Labiatiflorae) ها نیز بسیار کم است، از این جهت گیاهان این تیره را بدو دسته بزرگ Tubuliflorae (دارای گل‌های لوله‌ای و یا دارای هردو نوع گل) و Liguliflorae ها تقسیم نمایند.

توبولیفلوراها Tubuliflorae

این دسته از گیاهان دارای کاپیتولهای مرکب از گل‌های لوله‌ای یا لوله‌ای در وسط و زیانه‌ای در حاشیه‌اند. نهج آنها غالباً ضخیم و گوشتدار و دارای تارهای نازک یا فاقد آن است. در غالب آنها، بساک پرچمها دارای دو زائده در قسمت پائین است بطوری که بدان، منظره تیر کمائی می‌دهد. خامه آنها منتهی به دو شاخه زایا و پوشیده از تارهایی است که در جذب دانه کرده مؤثر است. گل‌های لوله‌ای کناره کاپیتول آنها گاهی نمو بیشتر حاصل کرده، ظاهر متفاوت پیدا می‌نماید.

از جنس‌های مهم این تیره فرعی، Senecio (دارای ۱۰۰۰ گونه)، Helianthus (۶۰۰ گونه)، Erigeron (۲۰۰ گونه)، Achillea (متجاوز از ۱۰۰ گونه)، Eupatorium (۵۰۰ گونه)، Centaurea (۷۰۰ گونه)، Artemisia (۲۰۰ گونه) و Anthemis (۱۳۰ گونه) را نام می‌بریم.

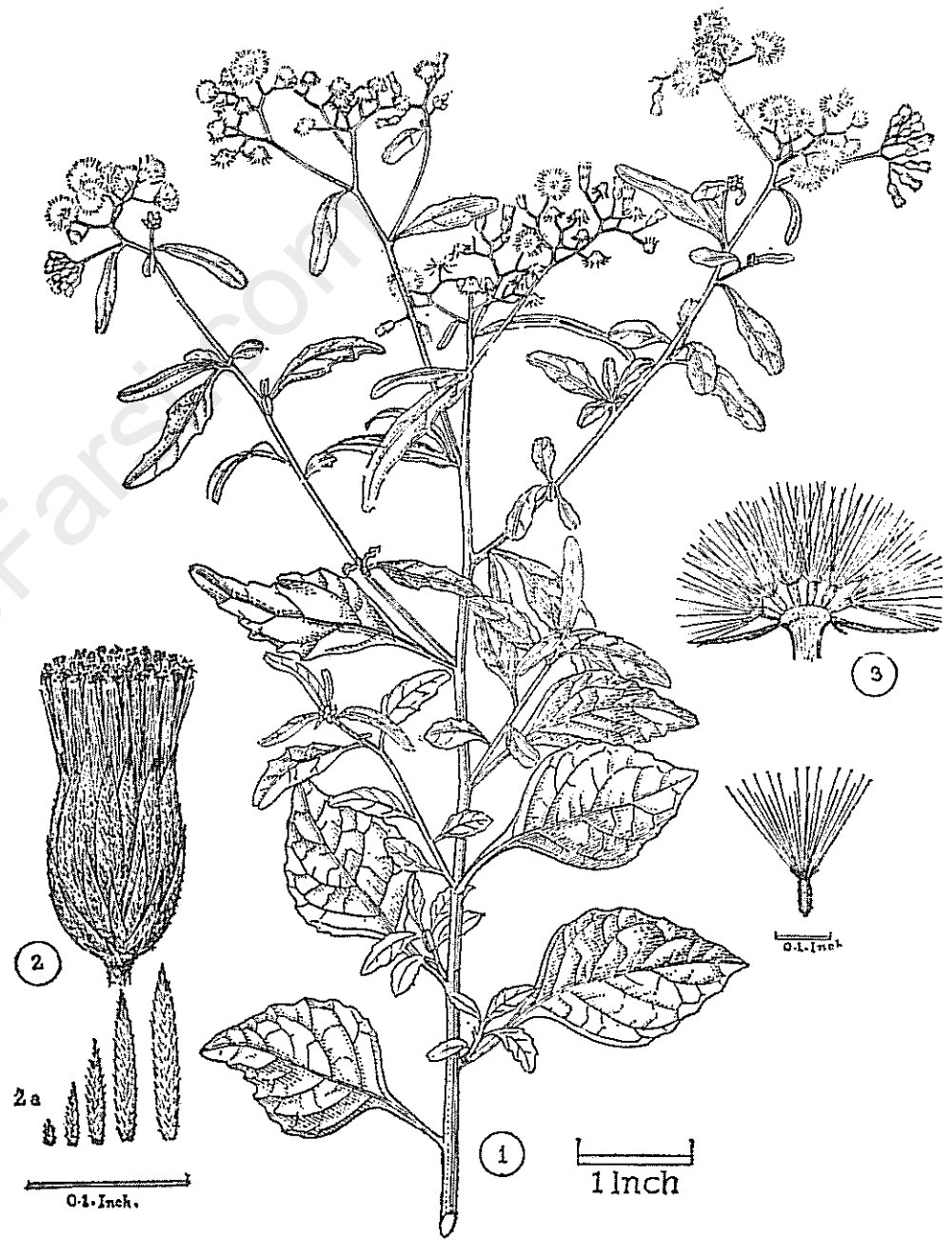
Vernonia cinerea Less.

V. diffusa Decn. ، V. conyzoides DC.

فرانسه : Vernonia cendré ، Ayapana sauvage انگلیسی : Ash-coloured Fleabane

گیاهی علفی و دارای ساقه راست، استوانه‌ای، با انشعابات کم و پوشیده از تارهای کم است. برگ‌های بیضوی، نوک‌تیز و منتهی به دمبرگ نسبتاً دراز دارد. انشعابات شاخه‌های آن منتهی به مجموعه‌ای از گل‌ها به رنگ بنفش یا بنفش مایل به صورتی می‌شود که تعداد آنها به ۱۰ تا ۲۰ می‌رسد و گل‌آذینی با ظاهر دیهیم، بوضع گسترده بوجود می‌آورد. در منطقه وسیعی از نواحی حاره آسیا مانند هند، ایران، افریقا و استرالیا می‌روید.

خواص درمانی- قسمتهای مختلف گیاه، اثر مقوی، مقوی سعه و قابض دارد و در رفع آسم و برونشیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوشانده آن در عرق کردن بیمار هنگام تب، مؤثر واقع می‌گردد. بعلاوه برای آن اثر تب بر قائل‌اند.



ش ۳ - Vernonia cinerea : ۱ - شاخه گلدار ۲ - کاپیتول و نمایش براکته‌ها
۳ - مجموعه میوه و یک میوه (Ayur. dr.)

با آنکه از اعضای گیاه به عنوان معرق استفاده می‌شود معیذا عده‌ای معتقدند که گیاه فاقد این خاصیت است ولی اگر آنرا مخلوط با مقادیر درمانی از گنه گنه بکار برند، اثر درمانی داروی اخیر در رفع تب مالاریا تقویت می‌گردد.

محل رویش - بلوچستان .

از انواع دیگر این گیاهان که در کتب دارویی هند و فارماکوپیه سنگال وارد گردیده، ه نوع زیر را که هیچکدام آنها در ایران نمی‌رویند ذکر می‌نمائیم:

۱ - *V. Roxburghii* Less. * در نواحی مرکزی و غربی هند، برسه و بنگال می‌روید. برای آن اثر درمانی مشابه گیاه قبلی قائل‌اند.

۲ - *V. teres* Wall. * در مناطق حاره، هیمالیا و نواحی گرم هند می‌روید. در درمان زخم‌ها و در رفتگی‌ها از آن استفاده می‌شود بعلاوه برای برقراری قاعدگی، هنگامی که این حالت بسختی صورت می‌گیرد و باناراحتی‌ها همراه است، اثر درمانی ظاهر می‌کند و چون سدر است جهت درمان استسقاء بکار می‌رود.

۳ - *V. anthelmintica* (W.) Wild. * گیاهی است علفی که غالباً در ارتفاعات زیاد هیمالیا می‌روید. گلنای آن عموماً لوله‌ای و سیوه‌اش استوانه‌ای، به رنگ قهوه‌ای با طعم تلخ و تهوع آور است. برای آن اثر دفع کرم و طفیلی‌های مختلف قائل‌اند.

گرد دانه آن، حشرات را از بین می‌برد از این جهت در ردیف حشره‌کش‌ها نیز قرار دارد. روغن دانه گیاه که تحت اثر فشار از آن بدست می‌آید، مایعی است بسیار چسبنده، به رنگ زرد روشن و دارای بوی قوی که در طبابت‌های هند از آن استفاده بعمل می‌آید. مخلوط گرد دانه آن با آب لیمو برای نظافت پوست سر و از بین بردن شیش سوی سر بکار می‌رود. هنوز بررسی‌های کامل از نظر وجود مواد مؤثر و اثرات فارماکودینامی آنها، بر روی این گیاه بعمل نیامده است.

روغن دانه گیاه دارای یک ماده اسیدی به نام اسید ورنولیک (Vernolic acid) است که به فرمول $C_{18}H_{34}O_8$ و به وزن ملکولی ۴۰۶٫۴۴ می‌باشد. استخراج آن از گیاه مذکور توسط Gunstone (1) و سنتز آن توسط Obsond صورت گرفته است.

اسید ورنولیک به حالت متبلور در ۲۰ درجه در استن به دست می‌آید. در گرمای ۳۰-۳۱ درجه نیز ذوب می‌شود.

۴ - *V. nigritiana* Oliv. et Hiern. * گیاهی است که در نواحی حاره افریقا می‌روید. ریشه آن دارای گلوکزیدی به نام ورنونیوزید vernonioside یا ورنونین vernonine است.

سیاهان سودان، برای ریشه آن اثر تب‌بر و رفع دیسانتری قائل‌اند. بعلاوه مدر ضد کرم و رفع کننده ناراحتی‌های رماتیسم است.

ورنونین، گلوکزیدی به فرمول $C_{11}H_{14}O_6$ است و به صورت گرد سفید و متبلور به دست می‌آید. به مقدار زیاد در آبجوش والکل رقیق حل می‌شود ولی در اتر و کلروفرم تقریباً غیر محلول می‌باشد (Reutter L. 1923).

o - *V. colorata* (Willd.) Drake ، *V. senegalensis* Less. * - گیاهی است که در بعضی نواحی آفریقا، و سودان می‌روید. در نواحی محل رویش نیز به مصارف درمانی می‌رسد. برگ آن طعم تلخ شدید دارد (مانند کنکینا) و از آن بعنوان تب‌بر استفاده می‌شود بعلاوه به مصارف رفع درد معده می‌رسد (فارماکوپه سنگال J. Kerharo)

Arctium Lappa L.

Lappa major Gaertn. ، *A. majus* Bernh.

فرانسه : Coupeau ، Graterau ، Peigneroile ، Glouteron ، Bardan
انگلیسی : Hur - bur ، Cockle - buton ، Bur ، Clotbur ، Burdock
آلمانی : Filzige Klette ، Lederlappen ، Hopfenklette ، Klette
ایتالیائی : L. maggiore ، Lappa - bardana ، Lappola ، Bardana
فارسی : بابا آدم - عربی: آراقیطون، راس الحماسه

گیاهی است علفی، بزرگ و دارای ساقه‌های متشعب به طول ۸۰. تا ۱۲۰ سانتی‌متر و حتی بیشتر که به حالت وحشی در دشت‌ها و نواحی مرطوب و سایه‌دار، تا ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متری غالب نواحی معتدل اروپا و آسیا می‌روید. ریشه‌های دراز به قطر انگشت با ظاهر دوکی-شکل و به رنگ قهوه‌ای دارد ولی اگر شکسته شود، در مقطع رنگ تقریباً سفید نشان می‌دهد. از اختصاصات آن این است که پهنک برگ‌های آن، بسیار بزرگ و دارای حالت نسبتاً افتاده بر روی ساقه است. بزرگی پهنک برگ‌های آن، به نسبتی که از قاعده ساقه به رأس آن نزدیک می‌شویم، کم می‌گردد. رنگ آنها در سطح فوقانی پهنک، سبز تیره ولی در سطح تحتانی به علت پوشیده بودن از تارهای فراوان، سبز روشن است.

کاپیتولهای آن، ظاهری کروی و مجتمع دارند و هر یک از آنها نیز مرکب از گل‌هایی کوچک ارغوانی، به تعداد ۴ تا ۵، محصور در تارهای ابریشمی است. براکته‌های انولوکر آن، هر یک در انتها به خمیدگی قلاب مانند ختم می‌شود. سیوه‌آن پس از رسیدن، به صورت فندقه‌ای

با ۳ یا ۴ سطح مشخص در می‌آید. رنگ آنها خاکستری یا قهوه‌ای روشن و یا حنایی و گاهی منقوش به لکه‌های نسبتاً تیره است. در بالای سیوه‌آن، دسته تارهای ابریشمی کوتاه به رنگ زرد یا سفید مایل به زرد دیده می‌شود که زود افت‌اند. سطح خارجی سیوه‌گیاه نیز پوشیده از تارهای ریز است بطوری که وجود آنها سبب می‌گردد که به سهولت به دست بچسبند. وجود این حالت باعث می‌گردد که سیوه بر اثر چسبیدن به پشم و پوست حیوانات، مخصوصاً گله‌های گوسفند، به مناطقی دور دست انتقال یابد و با این عمل وسعت پراکندگی گیاه پیوسته افزایش حاصل کند.



ش ۳ - *Arctium Lappa* : a = سرشاخه گلدار b = برگ c = براکته

بهمه پراکندگی که این گیاه در مناطق مختلف اروپا و آسیا دارد معیناً چون از طرفی تعداد پایه‌های آن در هر ناحیه کم است و از طرف دیگر خارج کردن ریشه گیاه از زمین، به منظور استفاده‌های درمانی اصولاً به اشکال صورت می‌گیرد، از این جهت کم و بیش اقدام به پرورش آن می‌گردد.

برای پرورش آن، دانه (سیوه) گیاه را که بلافاصله پس از رسیدن و جدا شدن از کاپیتول ها به دست آمده باشد، انتخاب نموده آنها را در زمین آماده بر روی خطوطی به فواصل ۶۰ سانتیمتر از یکدیگر در ماه شهریور بنحوی سی کارند که هر ۳ یا ۴ عدد آنها در فاصله ۲۰ سانتیمتر از یکدیگر کاشته شوند. پس از کاشتن دانه نیز باید زمین زراعتی را به خوبی غلطک زد تا باین عمل، دانه ها در خاک ثابت گردند و کمی به درون آن نفوذ یابند.

برداشت محصول در اواخر اسفند تا اوایل اردیبهشت ماه سال دوم صورت می گیرد. در این هنگام، ریشه به حداکثر رشد خود رسیده و به اندازه کافی گوشتدار شده است ولی اگر دیرتر اقدام به این کار شود، نه تنها به علت چوبی شدن، قابل استفاده نخواهد بود بلکه مقداری از خواص درمانی آن نیز بطور محسوس کاهش حاصل خواهد کرد.

پس از خارج کردن ریشه گیاه از زمین، باید آنرا به خوبی تمیز نموده به قطعات کوچک ۲ سانتیمتری تقسیم کرد تا به سبب در گرمای خورشید و یا به کمک حرارت و یا بهتر از همه در انوو، خشک گردد.

از برگهای گیاه استفاده های درمانی مختلف بعمل می آید و حتی در تغذیه نیز از آنها استفاده می شود.

قطعات خشک شده ریشه گیاه رنگ خاکستری یا قهوه ای روشن و شیارهای طولی نسبتاً عمیق دارد. فاقد بوی یا دارای بوی ضعیف و نسبتاً نامطبوع است (اگر قطعات ریشه بر روی هم انباشته شود). طعم آنها ناپسند و کمی لعابی می باشد.

ترکیبات شیمیائی - ریشه بابا آدم دارای اینولین، ماده چرب به مقدار کم، کربنات و نترات پتاسیم، رزین های مختلف و یک گلوکزید به نام لاپین lappine یا لاپوزید lapposide است. ماده اخیر در سال ۱۸۸۸ توسط Trimble از گیاه استخراج گردید. از ریشه خشک شده گیاه در مجاورت هوا، معادل ۵۰ تا ۷۰ درصد اینولین توسط J. krontz و G. Carr در سال ۱۹۳۱ به دست آمد.

برگ بابا آدم دارای ماده ای به نام آرک تیوپیکرین (arctiopicine)، اکسیدازهای فعال و دانه اش علاوه بر گلوکزید مذکور، دارای ۱۸ درصد روغن زرد رنگ خشک شونده با طعم تلخ، مرکب از ۵۸ درصد اسید لینولئیک و ۱۰ درصد اسید اولئیک است. وزن مخصوص روغن در گرمای ۲۰ درجه برابر ۰.۹۲۳ می باشد.

خواص درمانی - ریشه بابا آدم دارای اثر تصفیه کننده خون، زیاد کننده ترشحات صفرا، سدر و معرق است و مصرف آن نیز از قدیم الایام برای رفع نقرس، رماتیسم، رفع عوارض سیفلیس و اسراض جلدی مختلف بین مردم معمول بوده، به یکدیگر توصیه می شده است.

ریشه بابا آدم به علت اثر سدر، دفع کننده اسید اوریک و تصفیه کننده خون که دارد در رفع خیز عمومی بدن، نقرس، سنگ کلیه، رفع جوشهای صورت، دانه های غرور، بیماری های پوستی مختلف، سرخک و بطور کلی تبهای دانه ای، رماتیسم، قولنج های کبدی و نزله های ششی مزمن، اثر معالج دارد. در بیماری های مختلف، از آن به عنوان یک داروی معرق و مفید می توان استفاده بعمل آورد. ریشه بابا آدم اثر پائین آورنده قند خون دارد و در درمان دیابت می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

صرف فرآورده های آن در کودکان مبتلا به سرخک، میملک و آبله، موجب سهولت بروز دانه ها می شود. با بکار بردن آن در معالجه زخمهای مزمن، اولسر زانو، سوختگی ها، التهاب مخاط دهان و گلو (طبق بررسی های kneipp)، اختلالات ناشی از جذب ترکیبات چوبه، اسکوربوت، آب آوردن انساج و غیره نتایج نیکو ظاهر می گردد.

اگر له شده ریشه تازه بابا آدم و یا جوشانده های غلیظ آن، بر روی پوست بدن اثر داده شود، کورک و آگزماهای خشک را بهبود می بخشد بعلاوه جوشهای صورت و دانه های غرور، اولسر واریسی زانو و تومورهای خنازیری را شفا می بخشد.

سالمیدن لوسیونهای حاصل از جوشانده ریشه بابا آدم، باعث تقویت پوست سرو جلوگیری از ریزش موی می گردد. ضماد برگهای آن، موجب تسکین درد در ورم خاد مفاصل و رفع ناراحتی ها و التهاب در بواسیر می شود.

جوشانده غلیظ ریشه، از جوشاندن ۳ شست قطعات ریشه به مدت ۲ دقیقه در آب تهیه می شود. در بعضی کتب علمی، لوسیون حاصل از جوشاندن یک شست مخلوط ریشه بابا آدم و آویشن (مدت جوشاندن ۵ دقیقه)، جهت جلوگیری از ریزش موی سر توصیه شده است (Dextreit R.II).

Dr. H. Leclerc، بکار بردن برگهای له شده بابا آدم را در موارد گزش مار توصیه نموده است. عقیده کلی عده ای از دانشمندان دیگر نیز در مورد تأثیر برگ له شده بابا آدم درگزیدگی مار این است که با قرار گرفتن برگ له شده گیاه در محل گزیدگی، موجبات اکسیده و زائل شدن سم فراهم می شود. گزیدگی حشرات، مانند زنبور، پشه و غیره نیز با تأثیر دادن برگ له شده بابا آدم بر روی پوست، رفع می گردد و خارش و تحریکات جلدی بر طرف می شود.

برگ بابا آدم اگر به بیماران مبتلا به مرض قند داده شود، مقدار قند خون را در آنها پائین می آورد.

برگهای قاعده ساقه و ریشه این گیاه بطوریکه در کتب دارویی جدید انعکاس دارد،

در تقویت عصب چشائی و درمان ضعف اعصاب مؤثر واقع می‌گردد(۱).

ریشه تازه و یا استابیلیزه با با آدم از نظر خواص درمانی، به سراتب بر ریشه خشک شده آن سزیت دارد.

درمان دیابت یا بیماری قند (۲) و تشخیص نوع آن باید با نظر پزشک متخصص، ضمن انجام آزمایش های خون صورت گیرد. گیاهان دارویی مختلفی می‌توانند در درمان این بیماری کمک مؤثر نمایند که در مباحث مختلف این کتاب شرح داده شده است. در اینجا روش استفاده بعضی از گیاهان و همچنین فرمولهائی مفیدی که در کتب علمی جدید ارائه گردیده، برای اطلاع بیشتر علاقمندان به اختصار شرح داده می‌شود:

۱- آناناس: سیوه نارس این گیاه را باید به خوبی رنده و له کرده، در آب جوش وارد نمایند و مدتی بحال خود بگذارند تا به خوبی دم کند سپس بدون آنکه شیرینی بدان بیفزایند، در طول روز تدریجاً مصرف نمایند.

۲- دانه بادام زمینی سبز - تعداد ۱۵ دانه بادام زمینی سبز را به صورت نیمکوب

۱ - Selected med. pl., Moreli I, Bonari E, .. FAO, 1984.

۲- بیماری قند، دارای انواع مختلف و متفاوت از یکدیگر است ولی وجه اشتراک آنها به تفاوت در بروز حالاتی مانند احساس گرسنگی و تشنگی مفرط، زیاد شدن حجم دفع ادرار و تغییر ترکیب شیمیائی آن، پیدایش اختلال در اعمال اعضای مختلف بدن، بدحالی، ضعف (cachexie) و غیره است که خاتماً با وخاستی که تدریجی پیدا می‌کند منجر به سرگ بیماری شود. الف - دیابت شیرین Diabète sucré یا Maladie de Willis نوعی از آن است که مقدار درصد قند خون بیش از حالت طبیعی می‌شود بعلاوه بطور ثابت، قند در ادرار یافت می‌گردد و عوارضی که در فوق برای بیماری قند ذکر شد عارض می‌گردد. این دیابت حاصل یک اختلال شدید در متابولیسم سواد هیدرو کربنه است که منجر به جمع شدن گلوکز در بافت های می‌گردد. در بعضی موارد نیز این اختلال در متابولیسم سواد آلبومینوئیدی و چربی پیش می‌آید که Diabète asthenique، ... ناسیده می‌شود با اسیدوز همراه است و غالباً منجر به اغماء (Coma) می‌گردد.

ب - دیابت بی‌سزه (Diabète insipide)، نوعی دیگر از مرض قند است که که در آن عطش شدید و ادرار فراوان عارض می‌شود، بدون آنکه تغییراتی در ترکیب ادرار بوجود آید مگر آنکه در وزن مخصوص آن اثر گذارد. این دیابت با زیاد شدن اشتها، لاغری و کاهش قدرت جسمانی بیمار همراه است (Garnier Delamar, - 1980).

در آورده در ظرف محتوی مقداری آب جوش وارد می‌کنند و مدتی به حال خود باقی می‌گذارند تا به خوبی دم کند سپس آنرا صاف کرده بدون آنکه مواد قندی بدان بیفزایند مصرف می‌کنند و این عمل را در روزهای اول، سوم، یازدهم و بیست و ششم همراه انجام می‌دهند (Ouensenga, 1983).

الف - نسخه جهت درمان بیماری قند

برگ	Vaccinium Myrtillus L.	۱۰۰ گرم
قنطاریون	Centaurium minus Moenh.	» ۱۰۰
حشیشة الاوز	Potentilla anserina L.	» ۱۰۰
دم اسب	Equisetum arvense L.	» ۱۰۰
افسنطین	Artemisia Absinthium L.	» ۵۰

اعضای گیاهان مذکور را مخلوط کرده، ۱۰۰ گرم آنرا در ۲ لیتر آب می‌جوشانند بتحوی که حجم مایع به نصف تقلیل یابد سپس مایع حاصل را پس از صاف کردن بطور تدریجی در ۲ ساعت مصرف می‌کنند.

ب - نسخه جهت درمان بیماری قند

ریشه حشیشة المبارک	Geum urbanum L.	۳۰ گرم
برگ	Rubus fruticosus L.	» ۱۰
یابریک (۱)	« « caesius L.	» ۱۰
ریزوم و ریشه	Potentilla reptans L.	» ۲۰

مقدار ۲۰ گرم از مخلوط گیاهان فوق را در ظرف محتوی نیم لیتر آب وارد کرده به مدت ۳ دقیقه می‌جوشانند و سپس ۱۵ دقیقه دم می‌کنند. مقدار مصرف آن، نصف فنجان و ۴ یا ۵ دفعه در روز است.

باید توجه داشت که مصرف گیاهان زیر، برای مبتلایان به بیماری قند، به بی‌ضرر ذکر شده است. برای اطلاع از مشخصات و محل رویش بعضی از این گیاهان که بانامهای فارسی ممکن است مورد شناسائی نباشند، بهتر است به مباحث مختلف این کتاب مراجعه شود:

۱ - چون Rubus fruticosus L. در ایران نمی‌روید به جای آن می‌توان از R. caesius L. (تمشک) که به فراوانی در کشور ما یافت می‌شود استفاده کرد.

غافث (*Agrimonia Eupatoria L.*) ، برگ آرتیشو، کاسنی ، خیار ، علفچشمه (بولاغ اوتی) ، سارچویه، بادنجان، کرفس، کلم، اسفناج، کاهو، ترشک، ترب، ریوند چینی (*Rheum officinale H. Bn.*) ، گل قاصد، شلغم، گلابی، سیب زمینی، زیتون، فندق، لیموترش، توت فرنگی، تمشک، انگور فرنگی، نارنگی، سیب زمینی ترشی. ضمناً باید توجه داشت از بین گیاهان مذکور، سیوه انواعی از آنها که طعم شیرین دارند باید به مقدار کم مصرف شود.

صور داروئی - دم کرده یا جوشانده . ۴ تا ۶ در هزار گیاه تازه به مقدار ۳ فنجان در روز - شربت بابا آدم که از یک قسمت ریشه تازه، ۸ قسمت آب و ۸ قسمت قند تهیه می شود به مقدار ۳ تا ۱۰ گرم در روز - تنطوره ۱/۰ ریشه به مقدار یک تا ۱ گرم در یک فنجان و در سه مرتبه در روز - شراب حاصل از قرار دادن ۸ گرم دانه در یک لیتر شراب سفید به عنوان مدر - لوسیون حاصل از قرار دادن ۱۰۰ گرم ریشه تازه له شده بابا آدم مخلوط با ۰ گرم ریشه تازه گزنه در نیم لیتر روم (*Rhum*) برای تقویت پوست سر و جلوگیری از ریزش مو.

با آنکه بابا آدم و ریشه آن باید به حالت تازه و یا استابلیزه شده مصرف شود تا بهترین اثر واقع گردد معهذاً چون مصرف ریشه خشک آن نیز در رفع بیماریها اثر درمانی ظاهر می کند از این جهت به حالت خشک نیز مصرف دارد. مقدار مصرف ریشه خشک بابا آدم ۳۰ گرم به صورت گرد یا دم کرده است.

نسخه برای تهیه تیزان تصفیه کننده خون

ریشه بابا آدم	۳۰ گرم
» شیرین بیان	»
» تاجریزی	»
آب	یک لیتر

مخلوط مذکور را باید به مدت ۲ دقیقه دم کرده و سپس نصف و یا مقدار بیشتر آنرا در روز مصرف نمود.

برای رفع خارش در بیماری سوداء باید مقدار ریشه بابا آدم را با هموزن آن ریشه زنجبیل شامی (*Inula Helenium*) مخلوط کرده جوشانده ای تهیه نمود. با تأثیر دادن این جوشانده در پوست بدن، ناراحتی ها، و خارش در سوداء سریعاً تسکین می یابد.

از ریشه بابا آدم، اخیراً کرم های (*Crèmes*) نرم کننده پوست جهت شادابی آن و تامین سلامت سلول های پشیره پوست، در سرازکن ساخت دارو تهیه می گردد.

در دامپزشکی جوشانده . ۵ در هزار ریشه بابا آدم را برای رفع جرب در سگها و جلوگیری از ریزش مو و خارش شدید در آنها بکار می برند. ریشه بابا آدم اگر به صورت قطعات ریز در غذای گوسفند و بطور کلی داسها افزوده شود موجبات رفع سرفه را در آنها فراهم می آورد.

محل رویش - گرگان: علی آباد (کتول). سازندران: بین عباس آباد و شاهی سابق. گیلان: رودبار، کوشک (باغ محسنی) در ارتفاعات . ۳۵ متری در زیر درختان زیتون، ایسپیلی ییلاق. آذربایجان: ۱۸ کیلومتری سرنده، قره داغ، حسن بگلو، نعمت آباد نزدیک تبریز. همدان: حیدر. اراک. بختیاری در ۲۱۰۰ متری. جنوب ایران، کرمان: قریه العرب، راهبور در ۲۶۰۰ متری، مشرق ایران: خراسان. تهران: شهرستانک در ۱۷۰۰ متری، لشگرک، بین توچال و دماوند در ۲۳۰۰ متری. قزوین. کرج .

در ژاپن تحت نام *Gobo*، واریته ای از گیاه به نام *Var. edulis* پرورش می یابد که بعضی از گیاه شناسان مانند *Siebold*، آنرا نوع جداگانه ای به نام اخیر ذکر نموده اند. این گیاه که نوع خوراکی بابا آدم می باشد، فرم ها و واریته های مختلف دارد که به نام های *Gobo*، *Hockat Gobo* و *Unedo Gobo* موسوم می باشد. نوع خوراکی بابا آدم، ظاهری متفاوت از گونه اصلی دارد مانند آنکه ارتفاع ساقه اش زیادتر، برگهای آن بی کرک، به رنگ سبز تیره و کاپیتول های آن بزرگتر است. با پرورش های متوالی این گیاه موفق به تهیه نمونه هایی با ریشه قطورتر گردیده اند. ریشه های متورم این گیاه را پس از یک تراش سطحی، در آب نمک دار می پزند و با سس (*Sauce*) و کره مخلوط نموده غذای مطبوعی تهیه می نمایند (۱).

Cnicus benedictus L.

فرانسه: *Cnicaut béni*، *Centauree benie*، *Ch. santo*، *Chardon béni*؛
انگلیسی: *Blessed thistle* ایتالیائی: *Cardo beneditto*، *Cardo santo*؛
آلمانی: *Benedikendistel*، *Benedikten Kraut*، *Benedikten Flockblume*؛
عربی: الشوکه المبرکه

گیاهی است یکساله، به ارتفاع ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر (حتی بیشتر) و دارای طعم تلخ و بوی ناسطبوع (بر اثر خشک شدن بوی آن زایل می شود) که بطور خودرودر جنوب اروپا، مخصوصاً در مناطق رویش درختان زیتون و همچنین در غالب نواحی ایران می روید. ریشه کوچک، ساقه راست و زاویه دار و برگهائی بزرگ، متناوب، به رنگ سبز روشن با کناره های متقسم، دنداندار و متهتی

به یک خار نولک تیز در هر دندانه دارد. از مشخصات آن این است که برگهایش حالت شکننده و رگبرگهای سنشعب به رنگ سفید دارد. سطح تحتانی پهنک برگهای آن نیز، پوشیده از تارهای پنبه‌ای است. مجاورت برگها نسبت به هم در اطراف کاپیتولها بنحوی است که یک حالت فشردگی خاص در آنها مشاهده می‌گردد و این خود نه تنها باعث سخی ماندن کاپیتول در داخل برگها می‌شود بلکه با بوجود آمدن این وضع، تشخیص آن از گونه‌های مجاور سهل می‌گردد.



ش ۴ - Cnicus benedictus : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی

گل‌های این گیاه که در فاصله ماه‌های اردیبهشت تا تیر ظاهر می‌شود، عموماً بزرگ، به رنگ زرد و به صورت کاپیتولهای منفردی است که در سطح نهج هر یک، ۲ تا ۳ گل لوله‌ای دیده می‌شود. از بین این گلها، منحصراً ردیف خارج آنها غیرزایاست. بیه‌آن فندقه، حنائی رنگ، دراز، شیاردار و منتهی به یک کناره نازک غشائی، همراه با دسته تاری واقع در دوردیف است. در هر یک از این دو ردیف نیز، معمولاً ۱۰ تار دندانه‌دار دیده می‌شود. قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، گل و یا ساقه برگدار آن است.

برای مصارف درمانی، برگ و سرشاخه‌های گیاه را موقعی از بقیه قسمتها جدا می‌کنند که هنوز گل به مرحله شگفتن نرسیده باشد. در این زمان، که شیرهای برگ مایل به قدردن در ساقه جریان دارد باید آنرا به صورت قطعات کوچک و نازک در آورده، در اتو و یا در گرمای خورشید خشک نمود.

قر کیمبات شیمیائی - طعم تلخ اعضای هوایی این گیاه مربوط به ماده‌ای به نام کنی مین cnicine است که توسط Nativelle در سال ۱۸۴۲ کشف گردید. این ماده که اثر تب‌بر دارد، بعداً توسط Louis Socias به حالت متبلور از برگهای جوان گیاه به دست آمد.

دانه گیاه ۲۰ تا ۳۰ درصد روغن قابل استخراج دارد که دارای حالت روان، رنگ زرد، فاقد بو و طعم و وزن مخصوصی بین ۰.۹۲۵ و ۰.۹۲۷. در گرمای ۱۰۰ درجه می‌باشد. مقدار درصد اسیدهای چرب اشباع شده آن زیاد یعنی در حدود ۹۰ درصد و اسیدهای چرب اشباع نشده، معادل ۳ تا ۴ درصد است. از این اسیدهای چرب اشباع نشده، معادل $\frac{۳}{۴}$ آنرا اسید اولئیک و بقیه را اسید لینولئیک تشکیل می‌دهد.

تمام قسمتهای گیاه دارای اسلح پتاسیم، سنیزیوم، کلسیم، به مقدار جزئی اسانس، رزین، صمغ، موسیلاژ، تانن، قندهای مختلف و فیتوسترین است.

کنی مین Cnicine (سینی زین Gynisin، سانتورین Centaurin)، به فرمول $C_7.H_{14}.O_7$ و به وزن ملکولی ۳۷۸٫۴۱ است که ساده تلخ موجود در Cnicus benedictus می‌باشد. استخراج و بررسی آن توسط Korte و Bechmann انجام گرفته است (۱).

کنی مین، به صورت بلورهای سوزنی شکل، شفاف و بیرنگ متبلور می‌گردد. در آب به مقادیر کم ولی در الکل و قلیائیات به مقادیر زیاد حل می‌شود. در اثر محلول نیست. اسید سولفوریک آنرا در خود حل می‌کند و رنگ قرمز ایجاد می‌نماید ولی با افزودن مقداری آب، به رنگ بنفش در می‌آید و اگر آسونیک به آن افزوده شود زرد رنگ می‌گردد. در اسید کلریدریک رنگ سبز ایجاد می‌نماید (Reutter).

کنی مین، دارای اثر تب‌بر قوی است ولی چون حتی مصرف مقادیر کم آن، ایجاد قی و ناراحتی می‌کند از این جهت استفاده از آن متروک شده است.

اثر تب‌بر کنی مین، بیشتر از سالیسین تشخیص داده شده است.

خواص درمانی - قسمتهای مورد استفاده این گیاه طبق بررسی‌های Cazin، دارای اثر

مقوی، مقوی معده، معرق، تب بر، رفع خونروی، سدر، تصفیه کننده خون و نیرو دهنده سیستم عصبی است. در استعمال خارج اثر التیام دهنده و رفع چرک زخمها دارد.

از این گیاه، با توجه به خواص درمانی که دارد می توان در درمان ضعف عمومی، بی اشتهائی، ضعف عمل دستگاه عضم، سوء هضم، نفخ، قولنج ها (Coliques)، نزله های ششی سزمن، زردی، و هیستری استفاده بعمل می آورد مشروط بر آنکه این ناراحتیها، با التهاب اعضای داخلی بدن همراه نباشد. ضمناً به علت سدر بودن، می تواند در موارد مختلف مخصوصاً رفع سردردهای یکطرفه، (Migraine) و طپش قلب مصرف شود.

در تب های دانه ای (سرخک و مصلک) و درمان تب نویه و تب مالت (A. Raybaud) اثرات درمانی ظاهر می کنند.

با تجاری که بعمل آمده، این نتیجه نیز حاصل گردیده که اعضای هوایی این گیاه به علت دارا بودن کئی سمین، اثر خلط آور نیز دارا می باشد. مخلوط برگ این گیاه و برگ Centaurium minus در درمان صرع اثر مفید ظاهر می کند (Kunzle).

بررسی های Dr. H. Leclerc نشان داد که این گیاه، خاصیت زیاد کننده اشتها با اثر قوی دارد و از این نظر می توان آنرا مشابه کاسیا (Quasia amara) دانست.

در استعمال خارج، جوشانده برگهای تازه این گیاه یا گرد آن و یا آب مقطر حاصل از آن، اثر قاطع در رفع اولسره های دیر علاج و غائقرایائی دارد بعلاوه بیماری زونا (A. Augé) و سرمازدگی را معالجه می کند.

صورت داروئی- برگ این گیاه به صورت گرد به مقدار ۱ تا ۴ گرم و یا دم کرده ۱۰ تا ۶ در هزار به مقدار ۳ فنجان در روز قبل از غذا مصرف می شود. اگر به برگ این گیاه مقدار ۲۰ گرم از هر یک از دو گیاه زیر:

Centaurium minus Moench. (گیاهی است از تیره جنتیانا) و افسنتین، اضافه کرده تیزی از آنها تهیه شود، اثر مقوی به نحو قاطع از مصرف آن ظاهر خواهد گشت. از برگ، این گیاه نوعی آب مقطر، عصاره، تنطور و شراب نیز تهیه گردد.

در مسارف داخلی، تنطور آن به مقدار ۴-۶ قطره در رو و عصاره آبی آن که به صورت حب در آمده باشد به مقدار ۳۰. تا یک گرم مصرف می شود. برای رفع تب مالت، گللهای خشک شده (کاپیتولها) را به مقدار یک شست در $\frac{3}{4}$ لیتر شراب قرمز می جوشانند به حدی که به نصف تقلیل یابد. مقدار مصرف آن، یک فنجان در هنگام صبح و شب است.

از مسارف دیگر این گیاه، یکی آن است که از برگهای آن می توان به جای رازک در تهیه

محلولهای الکلی سبک داروئی و آبجو استفاده بعمل آورد و دیگر آنکه از دانه اش معادل ۲۴ تا ۲۸ درصد، روغن استخراج کرد.

در استعمال خارج، یک شست برگ گیاه را در آب وارد کرده به مدت ۱۰ دقیقه می جوشانند و به صورت لوسیون و کمپرس، جهت شستشو و درمان اولسرها، زخمهای دیر علاج و زخمهای سرطانی به کار می برند و سپس بر روی آنها، گرد برگهای خشک شده گیاه را می پاشند. از آبمقطر حاصل از برگهای گیاه نیز می توان برای سوارد فوق در استعمال خارج استفاده بعمل آورد.

محل رویش: آذربایجان، تبریز، ماکو، نزدیک ارومیه، ۲۱ کیلومتری جنوب سلماس، دشت سرغان، گرگان، مازندران: آمل، رستم آباد (گیلان)، نواحی مختلف البرز، تهران، شهرستانک در ارتفاعات ۲۲۰۰ متری، دساوند، بین آب گرم و علی آباد، هشگرد، سرخه حصار، بین تهران و آب علی، بین تهران و کرج در ۱۲۰۰ متری، قزوین، کرج در ۱۴۰۰ متری، کرمانشاه، قصر - شیرین، همدان: حیدر. لرستان: شهبازان، بیشه، بختیاری: کشور، خوزستان: ۱۲ کیلومتری بهبهان به سمت آغا جاری، بین بهبهان و اسیدیه دوم در ارتفاعات ۳۰۰ متری، ۵ کیلومتری شمال - شرقی اهواز، فارس: شیراز، بوشهر، سهارلو نزدیک شیراز، جهرم، دشت ارژن، بین بوشهر و برازجان، کتل رودگ، کرمان. خراسان: کاشمر در ۱۱۰۰ متری (مرضیه ذاکری).

Eupatorium cannabinum L.

فرانسه : Eupatoire Chanvrine ، Chanvre d'eau ، Eupatoire Chanvrine ، d'Avicenne ، E.

انگلیسی : H. chanvrine ، H. agrimony ، Hemp Weed ، Water hemp

آلمانی : Wasserhanfkraut ، Wasserhanf ، Hanfwasserdost

ایتالیائی : Eupatorio ، Canapa aquatica ، Eupatorio d' avicenna

عربی : غافت ، خدالبنت (Khadd el bint)

گیاهی پایا و دارای ساقه ای زاویه دار، منشعب، به رنگ مایل به قرمز و به طول یک تا ۱۱ متر است. معمولاً در نواحی مرطوب، کنار جریانهای باریک آب، مخصوصاً دانه های سنتھی به چشمه سارها، به حالت خودرو می روید. برگهائی متقابل، مرکب از ۳ تا ۵ برگچه نوک تیز، دندانه دار و پوشیده از کرکهای نرم دارد. در سطح تحتانی پهنک برگهای آن نیز نقاط شفافی دیده می شود که محل غده های کوچک و واقع در زیر بشره است

از اختصاصات این گیاه آن است که کاپیتولهای کوچکی به طول ۵ تا ۷ و به عرض ۳ میلی متر

به رنگ گلی، مرکب از گل‌های لوله‌ای و مجتمع به تعداد زیاد در کنار هم و در رأس شاخه‌ها دارد. ظاهر کلی اجتماع کاپیتولهای آن نیز بنحوی است که سطح مدوری را بوجود می‌آورند. مجموعه این مشخصات باعث می‌گردد که این گیاه به سهولت از سایر گونه‌های مشابه تشخیص داده شود. در بعضی از پایه‌های این گیاه، ندرتاً گلها به رنگ سایل به سفید دیده می‌شود که مربوط به اختصاصات عوامل محیط زندگی و تأثیر متفاوت آنها بر روی گیاه است.



ش ۵ - Eupatorium cannabinum : سرشاخه گلدار به اندازه طبیعی
یک گل در زیر ذره بین

میوه‌اش کوچک، سیاه‌رنگ، منتهی به یک دسته تار سفیدرنگ و پوشیده از نقاط کوچک، و شفاف (مانند سطح تحتانی پهنک برگ) است. از ریشه این گیاه نیز بوی ناپسند استشمام می‌شود.

پراکنندگی این گیاه به صورتی است که در منطقه وسیعی از نواحی معتدله اروپا، آسیا و آفریقای شمالی می‌روید و همیشه نیز در محیط‌های مشابه یافت می‌شود. کلیه قسمت‌های گیاه مانند برگ، اعضای هوایی و ریشه آن، مصارف درمانی دارند. ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای تانن، سوادرزینی، اسانس، اینولین و نوعی ماده تلخ به نام **اوپاتورین** (Righini) eupatorine (در سال ۱۸۲۸) است به علاوه دو نوع ساپونین با اثر مدر و معرق توسط R. kobert در سال ۱۹۱۶ از آن به دست آمده است. **اوپاتورین**، به فرمول $C_{18}H_{16}O_6$ و به وزن ملکولی ۳۴۴٫۳۱ است و علاوه بر گیاه مذکور از نوع دیگری به نام *E. semiserratum* DC. نیز استخراج می‌شود (۱). **اوپاتورین**، در مخلوط Dioxane و آب، به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۱۹۶-۱۹۸ درجه ذوب می‌شود. اوپاتورین، اثر قوی آور دارد.

تاریخچه - اسنادهای درمانی از اعضای این گیاه، به زمانهای خیلی قدیم ارتباط پیدا نمی‌کند زیرا در کتب قدیمه، هیچ گونه اشاره‌ای از آن بعمل نیامده است. نخستین بار در سال ۱۵۴۳، دانشمند گیاه شناسی به نام Leonard Fuchs، اعضای هوایی گیاه را به صورت خشک شده در عطاریهای آن زمان که گیاهان داروئی می‌فروختند، تحت نام *Eupatorium* پیدا نمود. بعداً این بررسی ادامه پیدا کرد و معلوم شد که در مراکز داروفروشی کشورهای مختلف نیز تحت همین نام، در معرض استفاده مردم قرار می‌گیرد. بعضی از دانشمندان دیگر نیز مانند Bock (در سال ۱۵۷۲)، اعلام داشته‌اند که حیوانات سجروح مانند آهو از این گیاه منحصراً آن هم در بعضی نواحی برای درمان خود استفاده بعمل می‌آورند. فقط در برخی از کتب داروئی چنین منعکس است که قدمت درمانی این گیاه به زمان Tournefort، دانشمند گیاه شناس قرن ۱۳ میلادی می‌رسد و حتی چنین ذکر گردیده است که از آن، استفاده‌های درمانی مختلف نیز بعمل می‌آمده است.

بررسی‌های علمی کافی حتی در زمان حاضر نیز در مورد این گیاه، بنحوی که آنرا در ردیف انواع داروئی شناخته شده قرار دهد، بعمل نیامده و فقط با توجه به اختصاصات و شهرت‌های درمانی گیاه است که مصرف آن در بعضی نواحی، به منظور درمان بیماریها بین مردم معمول گردیده است.

خواص درمانی - ریشه و تمام قسمت‌های هوایی گیاه، اثر اشتها آور، مدر، مقوی و معرق

دارد و اگر به مقدار زیاد مصرف شود، اثر زیاد کننده ترشحات صفرا، سهیلی، قی آور، دفع کرم و تب بر (بطور خفیف) ظاهر می کند. از اینجهت با توجه به اختصاصات درمانی مذکور، از آنها جهت رفع بعضی بیماریها نظیر اسکوربوت، آب آوردن انساج، سرفه، نزله های، زین، زردی، تب های-نوبه، هیستری، بیماریهای پوست، بروز دانه های جلدی، جرب، بیماریهای کبدی و طحال و حتی قطع حالت قاعدگی در زنان جوان و غیره استفاده بعمل می آورند.

فرآورده های اعضای این گیاه، ضمن تحریک ترشحات صفرا، ایجاد حالت سهیلی می نماید در نتیجه می توان از آنها در رفع انسداد مجاری کبدی، وجود صفرا در خون و همچنین بیبوست های ناشی از نارسائی اعمال برخی غدد و غیره استفاده بعمل آورد.

در استعمال خارج، چون اثر التیام دهنده زخم و جراحات چرکین دارد از این جهت برگهای تازه و له شده آن و یا جوشانده گیاه تازه بر روی عضو اثر داده می شود و یا از آنها، به منظور رفع التهاب ها و ناراحتی ها در کوبیدگی اعضای سطحی بدن استفاده بعمل می آید.

صورت داروئی- دم کرده با جوشانده ۳ تا ۶ در هزار برگ یا ریشه تازه گیاه به مقدار یک فنجان بین هردو غذا بنحوی که تمام مقدار جوشانده مذکور در طی دوروز، مصرف شود. دم کرده ۳ تا ۶ در هزار گیاه در شراب به مقدار مذکور- گرد اعضای خشک شده گیاه به مقدار ۲ تا ۳ گرم در روز- تنطوری به مقدار ۱ تا ۲ قطره در روز مخلوط در یک تیزان- شیره برگهای تازه گیاه به مقدار ۳ گرم و حتی بیشتر.

دز استعمال خارج، ضماد، لوسیونها و بخور آن بکار می رود.

محل رویش- این گیاه در غالب نواحی شمالی ایران مخصوصاً در ارتفاعات کم کوهستانها یافت می شود. در اطراف تهران، نواحی مختلف البرز، رودبار، در ارتفاعات ۷۲ متری، بین کوشک و میش کش (دکتر زرگری - دکتر دریادل)، دامنه های مرطوب و آفتابگیر رحمت آباد و شمال اوشان نیز دیده می شود.

از گونه های مفید دیگر این گیاه انواع زیر شرح داده می شود:

E. Aya. pana Vent. ، *Eupatorium triplinerve Vahl.* گیاهی به ارتفاع

یک و نیم تا ۲ متر و دارای ساقه های راست، به رنگ مایل به قرمز و پوشیده از تارهای کم است. برگهای متقابل، به درازای ۸ و به پهنای ۳ سانتیمتر، گوشه دار، نوک تیز، با دمبرگ سیانی ضخیم و مایل به قرمز دارد. گلهای آن به رنگ ارغوانی است. از کلیه قسمت های گیاه نیز بوی معطر استشمام می شود و طعم آنها تلخ است. در نواحی گرم امریکای جنوبی می روید و در بعضی نواحی مانند هند پرورش می یابد. نام محلی آن در برزیل، *Aya - Pana.* است.

قسمت مورد استفاده گیاه، اعضای هوائی مخصوصاً برگهای آن است که به صورت دم کرده مانند چای مصرف می شود. از تنطیر برگهای این گیاه، اسانسی بابوی مخصوص (بوی گیاه)، بی رنگ و به وزن مخصوص ۰.۸۹۸۰۸. به دست می آید که مخلوطی از سز کوئی ترین، اتر اتیلیک اسید والرینیک، کومارین، آیپانول *ayapanol* و غیره است. برگهای آن دارای مواد رزینی، کومارین و گلوکزیدی به نام آیپانین *ayapanine* می باشد. مشخصات دو ماده اخیر در کتب داروئی بطور دقیق وارد نشده است. در مفردات پزشکی *Reutter L.*، برای *ayapanol*، صفات فیزیکی به شرح زیر ذکر شده است (۱):

آیپانول *Ayapanol*، به فرمول $C_{13}H_{18}O_4$ و به صورت محلولی بی رنگ و با بوی مخصوص و معطر است. در گرسای ۱۱۸ درجه می جوشد. در غالب حلال های مواد آلی حل می شود.

خواص درانی- دارای اثر نیرو دهنده، معرق و مقوی است. دم کرده آن جهت رفع سوء هضم و ناراحتی های عضمی مصرف می شود. در استعمال خارج بعنوان درمان مارگزیدگی، به صورت سالیدن بر روی عضو بکار می رود. دم کرده آن بصورت محلول تا ۰.۵ در هزار مورد استفاده قرار می گیرد.

در بعضی کتب علمی جدید، اختصاصات درمانی زیر نیز برای آن ذکر شده است:

۱- دم کرده برگهای گیاه اثر نرم کننده دارد بعلاوه ناراحتی های ناشی از کمبود ویتامین G را درمان می کند.

۲- دم کرده برگها جهت رفع اسهال های ساده و بیرونشیت توصیه شده است.

۳- خیسانده برگهای له شده گیاه جهت رفع سرما خوردگی بکار می رود. در استعمال خارج نیز برای شستشو و پانسمان زخم و جراحات، کوبیدگی اعضای بدن، در رفتگی و غیره مصرف می شود.

E. indigofera Parod.، گیاهی علفی و چندساله است. در آرژانتین و پاراگوئه نوعی ماده رنگی آبی از آن به دست می آورند.

E. Perfoliatum L.، گیاهی علفی و چندساله است. در امریکای شمالی، کانادا، فلوریدا، نواحی غربی تکزاس، نبراسکا (Nebraska) و مناطقی اطراف آن می روید. از برگ و گلهای آن که در ماههای تیر و مرداد جمع آوری شده باشد به عنوان قی آور، معرق، نیرو دهنده و سهیل استفاده می شود. در برگ و گلهای آن، اسانس، رزین و گلوکزیدی با طعم تلخ به نام *eupatorine* یافت می گردد.

Centaurea cyanus L.

فرانسه : **Bluet** ، **Aubifoin** ، **Centauree bleu** ، **Barbeau** ، **Bleuet** ؛
 انگلیسی : **Bachelor button** ، **Loggerheads** ، **Blue bottle** ، **Cornflower** ؛
 آلمانی : **Kornflockenblume** ، **Kornblume** ، **Blaue Kornblume** ؛
 ایتالیائی : **Ciano** ، **Farinello** ، **Ciano - minore** ، **Battesegola** ، **Fioraliso** ؛
 فارسی : **گل گندم - عربی** : قنطوریون، ترنشاہ (Turunchâh)، ترنشان، عنبر

گیاهی علفی یکساله یا دو ساله، دارای ساقه‌ای منشعب به ارتفاع ۲۵ تا ۸۰ سانتیمتر و برگهایی سبز مایل به سفید و پوشیده از تارهای نسبتاً پنبه‌ای است و چون در سزارع مخصوصاً سزارع



ش ۶- *Centaurea cyanus* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل و میوه (در زیر ذره بین)

گندم و غلات یافت می‌شود، از این جهت به گل گندم موسوم شده است. پراکندگی آن به صورتی است که در نواحی مختلف کره زمین مخصوصاً اروپا و آسیا یافت می‌شود. برگهای قاعده آن، دم‌برگ مشخص و پهنکی غالباً بابریدگیهای عمیق دارد در حالی که برگهای قسمتهای فوقانی ساقه گیاه، عموماً باریک، ساده و بدون دندانه است.

سرشاخه گلدار و برگهای خشک این گیاه، تحت نام **اوپاتوریم Eupatorium** (toroughwort, Bonest) در معرض استفاده قرار می‌گیرد.

E. Rebaudianum Bertonii * ، **Stevia Rebaudiana** Hemsl. ، گیاهی علفی است و در امریکای جنوبی، مخصوصاً در پاراگوئه می‌روید. دارای گلوکزیدی است که ۱۰۰ بار از شکر، شیرین تر است. این گلوکزید که از برگ گیاه بدست می‌آید به نام **استه‌ویوزید Stevioside** به فرمول $C_{38}H_{74}O_{18}$ و به وزن ملکولی ۸۰۴۹۰ است. گیاه مذکور به نام **Yerba dulce** نیز موسوم می‌باشد.

استخراج و تعیین فرمول نسبت گلوکزید مذکور توسط **Wood** و همکارانش انجام گرفته است (۱).

استه‌ویوزید، به صورت بلوریهایی جاذب الرطوبه به دست می‌آید. در گرمای ۱۹۸ درجه ذوب می‌شود. در **Dioxane** محلول است ولی در آب به مقدار یک گرم در ۸۰۰ میلی‌لیتر حل می‌شود.

مصرف استه‌ویوزید به عنوان یک ماده قندی انرژی‌زا پیشنهاد شده است.

E. stoechadosmum Hance *، گیاهی علفی و پایاست. در چین می‌روید و بعلاوه پرورش می‌یابد. در عمان برای آن اثر مقوی و مقوی‌بَاء قائل‌اند.

E. purpureum L. *، در امریکا مخصوصاً اتازونی می‌روید. از ریشه آن به عنوان سدر استفاده می‌شود.

از ریشه این گیاه واز **E. cannabinum**، ماده‌ای به نام **اوپارین euparine** به دست آمده (۲) که سنتز آن توسط **Ramachandran** و همکارانش در سال ۱۹۶۳ میلادی انجام گرفته است.

اوپارین، به فرمول $C_{13}H_{12}O_3$ و به وزن ملکولی ۲۱۶۲۳ است. به صورت بلوریهایی سوزنی‌شکل و زرد رنگ به دست می‌آید. نقطه ذوب آن در گرمای ۱۲۱-۱۲۲ درجه می‌باشد. در الکل، بنزن، کلروفرم و اتر حل می‌شود ولی در آب و قلیائیات غیر محلول است.

اوپارین دارای ترکیباتی مانند **Oxime** به فرمول $C_{13}H_{13}NO_3$ و سمی کاربازون (**Semicarbazone**) به فرمول $C_{14}H_{15}N_3O_3$ و غیره است.

1 - Wood et al., J. Org. Chem. 20, 875 (1955)

2 - Kamthong, Robertson, J. Chem. Soc. (1939) 925.

گل‌گندم، گل‌های زیبایی دارد که در فاصله اردیبهشت تا مرداد (به تناسب شرایط محیط زندگی) ظاهر می‌شود. کاپیتولهای آن، منحصرأ از گل‌های لوله‌ای تشکیل یافته و از خارج شامل براکته‌هایی است که زوائیدی با کناره نازک و غشائی به رنگ قهوه‌ای یا سایل به سفید، در آنها دیده می‌شود. میوه آن دارای رنگ تقریباً سفید و منتهی به یک دسته تار به رنگ حنائی در قسمت انتهائی است.

زنبور عسل از کاپیتولهای گل‌گندم، شیره سرغوبی به رنگ سبز به دست می‌آورد.

گل‌گندم به علت زیبایی خاصی که کاپیتولهای آبی رنگ آن دارند، در بعضی نواحی پرورش می‌یابد.

ترکیبات شیمیائی- گل‌های این گیاه دارای سوسیلانژ، سواد سومی، تانن، املاح مختلف و یک ماده رنگی به نام سیانین cyanine است. این ماده که در آب محلول می‌باشد، بشدت در مقابل نور حساسیت دارد. در پایه‌هایی از این گیاه که تحت اثر شرایط مختلف محیط زندگی، گل‌ها به رنگ‌گلی ظاهر می‌گردد، به جای ماده رنگی مذکور، پلارگونین pelargonine در آنها دیده می‌شود^(۱).

در گیاه کامل، مقدار زیادی پتاس، اسید فسفریک، سیزی، تانن، یک‌ساده با اثر تب‌بر به نام کنی‌سین cnicine (سانتورین centaurine) و مقدار نسبتاً زیادی ملح منگنز وجود دارد (Westet).

خواص درمانی- گل‌های این گیاه دارای اثر مدر است و از آن در آب آوردن اندام، خصوصاً در استسقاء استفاده بعمل می‌آید. بعلاوه در سرماخوردگی، جهت رفع سرفه و در بیماریهای سینه بکار می‌رود. دم کرده یا آب مقطر آن سابقاً به صورت لوسیون، در رفع التهاب کناره آزاد پلک‌ها، ورم ملتحمه و گل‌سوز بکار می‌رفته است.

برای تمام قسمت‌های گیاه، اثر تب‌بر، تصفیه‌کننده خون و ضد روماتیسم ذکر گردیده است. بعلاوه از آنها جهت رفع بیماریهای کبدی، زردی و بیماریهای پوست استفاده بعمل می‌آید. میوه گیاه دارای اثر مسهلی است.

صور دارویی- دم کرده ۴ در هزار به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا، مشروط بر آنکه مدت دم کردن در حدود ۲ دقیقه باشد - جوشانده ۱-۲ در هزار گیاه کامل برای رفع دردهای عصبی و رماتیسمی- شراب ۶ در هزار به مقدار ۳ فنجان کوچک (هر فنجان سحتوی ۷۵ سانتیمتر

۱- پلارگونین، از گل‌های *Pelargonium zonale Ait. Var. meteor* که نوعی

شمعدانی و از تیره Geraniaceae است نیز بدست می‌آید.

مکعب) در روزگرد میوه به مقدار ۲ گرم مخلوط در کمی عسل به عنوان مسهل و ۴ گرم مخلوط در کمی عسل جهت رفع یرقان.

از گل‌های این گیاه برای رنگ کردن برخی از تیزان‌ها استفاده بعمل می‌آید.

۱- کولیر قابض جهت شستشو و حمام چشم

مقادیر	<i>Euphrasia officinalis</i> (۱)	۵۰ گرم
»	<i>Centaurea cyanus</i>	۲۰
»	برگ بارهنگ	۲۰

مقدار یک قاشق سوپخوری از مخلوط فوق را باید در ۱۰۰ گرم آبجوش به مدت ۳ دقیقه دم کرده سپس صاف نمود و به صورت حمام چشم با استفاده از چشم‌شوی، چشم‌ها را شستشو داد.

۲- لوسیون جهت شستشو و حمام چشم (Dr. H. Leclerc)

برگ بارهنگ	<i>plantago major</i>	۱۰ گرم
گل شبدر زرد	<i>Melilotus officinalis</i>	۵
گل‌گندم	<i>Centaurea cyanus</i>	۵

مخلوط فوق را در ۲۰۰ گرم آبجوش به مدت ۱۰ دقیقه دم می‌کنند سپس صاف کرده برای شستشوی چشم به کار می‌برند.

از این محلول می‌توان در دو دفعه در روز و ۲ یا ۳ مرتبه در هفته نیز استفاده بعمل آورد.

بهداشت پوست

گل‌گندم نه تنها سابقاً مصارف زیاد در تهیه لوسیون‌های بهداشتی پوست سر داشته بلکه امروزه نیز دم کرده ۲ گرم آنرا در نیم لیتر آبجوش تهیه نموده به صورت کمپرس جهت تقویت سلول‌های پوست صورت برای تأمین نظافت و شادابی آن به کار می‌برند. این جوشانده از پیدایش چین و چروک در پوست صورت نیز جلوگیری می‌کند.

محل رویش- نواحی شمالی ایران، منطقه البز، اطراف تهران، بلوچستان، خراسان- کرمانشاه.

۱- رجوع شود به تیره Labiatae.

(1) *Centaurea solstitialis* L.

Calcitrapa solstitialis Lam ، *Cyanus solstitialis* (L.) Baum.

فرانسه : *Centauree du solstice* ، *Chardon doré* ، *Caccatreppola* ایتالیایی

انگلیسی : *Yellow Centaurea* ، *Barnaby's thistle* ، *Yellow - star - thistle*

آلمانی : *Sommer - Flockenblume* ، *Sonnerwend - Flockenblume*

گیاهی یکساله، پوشیده از کرک و دارای ساقه منشعب و بالدار است. در مزارع یونجه، شدر و همچنین اراضی بایر می‌روید. برگهای فاعده ساقه‌آن، دارای پهنکی یا تقسیمات متعدد، ناسنظم و منتهی به یک قطعه بزرگ با ظاهری بیضوی - سه‌گوش در انتها (Lyrée) است. در صورتی که بقیه برگها، عموماً باریک و عاری از تقسیم‌اند. از مشخصات این گیاه آن است که کاپیتولهای آن منحصرأ از گل‌های لوله‌ای زرد، واقع در انولوکری مرکب از براکت‌های منتوی به خار باریک و دراز، تشکیل یافته است. درازای خار براکت‌های انولوکری آن به صورتی است که بتفاوت ممکن است مساوی و یا دو برابر طول کاپیتولها باشد.

میوه آن کوچک، به صورت فندقه، دارای ظاهر بیضوی، سیاه‌رنگ و منتهی به یک دسته تار سفید رنگ است که درازای آنها معادل دو برابر طول میوه می‌باشد.

ترکیبات شیمیائی - گیاه کامل دارای اسید کالسی تراپیک *ac. calcitrapique* ، کینی سین *cnicine* (سانتورین *Centaurine*) ، یک ماده آسرف و تلخ و ترکیبات دیگر است. خواص درمانی - در طب عوام از اعضای مختلف این گیاه مخصوصاً از گل‌های آن، به عنوان تب بر استفاده بعمل می‌آورند. برای ریشه آن نیز اثر مقوی معده قائل‌اند.

محل رویش - آذربایجان: ۵ کیلومتری جنوب سهاباد، ارومیه، نزدیک سلماس، ۴۱ کیلومتری شمال شرقی میانه در ۱۴۰۰ متری، دشت سرخان، اردبیل، ارسباران، خمسه: در ۳ کیلومتری زنجان در ۱۴۰۰ متری، کردستان: مشرق بیجار در ۱۵۰۰ متری، کرمانشاه، سراب - اسکندر، ۱۴ کیلومتری مغرب کرند در ۱۸۰۰ متری، بیستون، همدان: مشرق همدان در ۱۸۳ متری، لرستان، بین خرم‌آباد و بروجرد در ۱۷۱۰ متری، درود، بختیاری کوه‌رنگ در ۲۴۷۰ متری، فارس: ۱۰ کیلومتری مغرب شیراز، کوه شاه سیاه، ۵ کیلومتری مشرق میان کتل، کرمان: بین بم و جیرفت. خراسان: بین شیروان و بجنورد، بین قوچان و لطف‌آباد (احمد ماهوان)، کپه‌داغ، الله‌اکبر در ۱۸۰۰ متری، جنگل گلستان، تهران: محمودیه، الموت، چیت‌گر، رودهن، درکه، قزوین، کرج، ۱۰ کیلومتری جنوب قزوین، پاکده (- دکتر دریادل دکتر مهدیون).

۱- در بعضی کتب علمی، بجای این گیاه یک گونه فرعی از آن، بهمان نام در ایران ذکر شده است (Flora iranica 139b - 387).

Centaurea calcitrapa L.

Calcitrapa stellata Lam ، *C. myacantha* DC.

فرانسه : *Chardon étoilé* ، *Pignolle* ، *Centauree - chausse trppe*

انگلیسی : *Star thistle* ، آلمانی : *Stern - Flockenblume* ، *Sterndistel*

ایتالیایی : *Cardo stellato* ، *Calcitrapa* ، *Cardo riccio* ، *Caccatreppola*

عربی : سرار، الدردریه (Ad dardariyh)

گیاهی است دو ساله که بطور خودرو در کنار جاده‌ها، اراضی بایر و چمنزارهای طبیعی نواحی مختلف اروپا و آسیا می‌روید. منطقه وسیعی نیز از این دو قاره، دارای این گیاه است. برگهای تحتانی آن بزرگ، نرم، گسترده و دارای بریدگیهای مشخص و باریک ولی برگهای قسمت فوقانی ساقه آن، بدون دمبرگ و دارای تقسیمات کم است.

کاپیتولهای آن منفرد و منحصرأ شامل گل‌های لوله‌ای به رنگ گلی یا مایل به بنفش و محصور در انولوکری خاردار می‌باشد. رنگ گل‌های این گیاه، به سهولت موجب تشخیص آن از گونه قبلی می‌گردد.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه، دارای صمغ، رزین، اسلح پتاسیم، کالسی تراپین *calcitrapine* ، اسید کالسی تراپیک، سانتورین *centaurine* و غیره است.

خواص درمانی - سرشاخه گلدار این گیاه، مخصوصاً برگ و کاپیتولهای آن دارای اثر تب‌بر است. ریشه و میوه‌های آن، خاصیت مدر دارند و از آنها در بیماریهای مربوط به سنجاری ادرار و عدم ترشح کافی ادرار، می‌توان استفاده بعمل آورد.

کلیه قسمتهای گیاه به علت تلخ و قابض بودن، اثراتش آبر دارد. در استعمال خارج نیز در التیام زخم و جراحات اثر مفید ظاهر می‌کند ضمناً اگر جوشانده آنرا، برای رفع تورم چشم مورد استفاده قرار دهند، این ناراحتی را به سهولت از بین می‌برد.

محل رویش - این گیاه در نواحی شمالی و بطور کلی در منطقه وسیعی از نواحی مختلف ایران پراکنده‌گی دارد.

این گیاه در بعضی از کتب علمی مانند گیاه قبلی، به صورت یک گونه فرعی از آن و بهمان نام ذکر گردیده است (Fl. of Turkey).

از گونه‌های سفید و غیر موجود این گیاهان در ایران، نمونه‌های کم‌ارزش زیر را نام می‌بریم:

- ۱- *Centaurea acaulis* L. * - گیاهی است کوچک و علفی که در شمال آفریقا مخصوصاً الجزیره می‌روید و منشاء تهیه نوعی ساده رنگی زرد است. نام عربی این گیاه، ارجیقه بن (Argiqon) است.
- ۲- *C. alexandrina* Del. * - گیاهی است علفی که در مصر ولیبی می‌روید و عصاره سرشاخه‌های گلدار آن، اثر ضدباکتری و درمان بیماری قند دارد.
- ۳- *C. eryngioides* Lam. * - نوع مخصوص شمال آفریقا و عربستان است. از برگ آن به حالت خام در سالاد استفاده می‌نمایند.
- ۴- *C. Rhaponticum* L. * - گیاهی علفی ولی چندساله است در اروپا می‌روید و از ریشه آن، به عنوان یک ساده مسهلی استفاده بعمل می‌آورند.

* *Centaurea jacea* L.

- فرانسه : Barbeau ، Chevalon ، Tête de moineau ، Jacée des prés
- انگلیسی : Giacea ، Black centaury ، Brown rayed knapweed ایتالیایی : Giacea
- آلمانی : Gemenine flockenblume

گیاهی علفی، پایا، دارای برگهای ساده و گلپایه‌ای به رنگ ارغوانی است. از مشخصات آن اینست که براکت‌های بدون خار، منتهی به زائده‌ای به رنگ سبیل به قهوه‌ای، غالباً متقسم به بریدگی‌های نازک، نواری شکل و به طول نابرابر دارد و با آنکه این بریدگی‌ها به شکل لیاف نازک با ظاهر شانه مانند در می‌آید. چون ظاهر گیاه در محیط‌های مختلف تغییر پیدا می‌کند از اینجهت تشخیص آن غالباً به اشکال صورت می‌گیرد. در دشت‌ها، کنار جاده‌ها، حاشیه جنگلها و یا در اماکن کم درخت می‌روید. پراکندگی آن به صورتی است که در تمام اروپا، مخصوصاً فرانسه یافت می‌گردد.

ترکیبات شیمیائی - در اعضای گیاه موادی نظیر سانتورین، نوعی پنیرمایه (در گلها)، کاروتین، یک ماده چرب، پیتاس، منیزی، اسید فسفریک و غیره یافت می‌شود. از ریشه اش، ماده‌ای به نام سانتورینین centauréine استخراج شده است.

سانتورینین، گلوکزیدی به فرمول $C_{24}H_{36}O_{13}$ و به وزن ملکولی ۵۲۲ می‌باشد و از ریشه گیاه مذکور نخستین بار استخراج شده است (1). تعیین ساختمان ملکولی آن توسط Farkas و همکارانش صورت گرفته است (2).

1 - Bridel, Charaux, Compt. Rend. 175, 833, 1168 (1922).

2 - Farkas et al., Ber, 97, 1666 (1964).

سانتورینین بایک ملکول آب تبلور، به صورت بلورهای زرد رنگ، تبلور می‌شود. در گرمای ۲۰۸-۲۰۹ درجه ذوب می‌گردد. در آب خیلی گرم، الکل خیلی گرم و استن خیلی گرم حل می‌شود. در آب سرد، کلروفرم و اتر غیر محلول است.

خواص درمانی - کلیه اعضاء گیاه مخصوصاً ریشه آن اثر رفع تب نویه دارد به علاوه مقوی - معده و مدر می‌باشد. در استعمال خارج، جوشانده آن به صورت حمام موضعی جهت درمان نرسی - استخوان یا به صورت غرغره به منظور رفع درد گلو و یا به صورت لولسیون و کمپرس برای درمان بیماری‌های جلدی مانند سوداء بکار می‌رود.

در ایران نمی‌روید.

Carthamus tinctorius L.

- فرانسه : Safran bâtard ، Safranon ، Carthame des teinturiers
- انگلیسی : Bastard saffron. African saffron ، Saffron thistle ، Safflower
- آلمانی : Zafferano falso، Croco bastardo، Färbersafflor ایتالیایی : Saflor
- فارسی : گل رنگ (1) - عربی : قرطم (Qurtum) ، احریض ، عصفر ((Usfur)،

گیاهی است یکساله یا دوساله، دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر و حتی بیشتر که منشاء اولیه آن در عربستان بوده، از آنجا تدریجاً به نواحی دیگر انتقال یافته است. پرورش آن امروزه در بعضی از نواحی معمول می‌باشد.

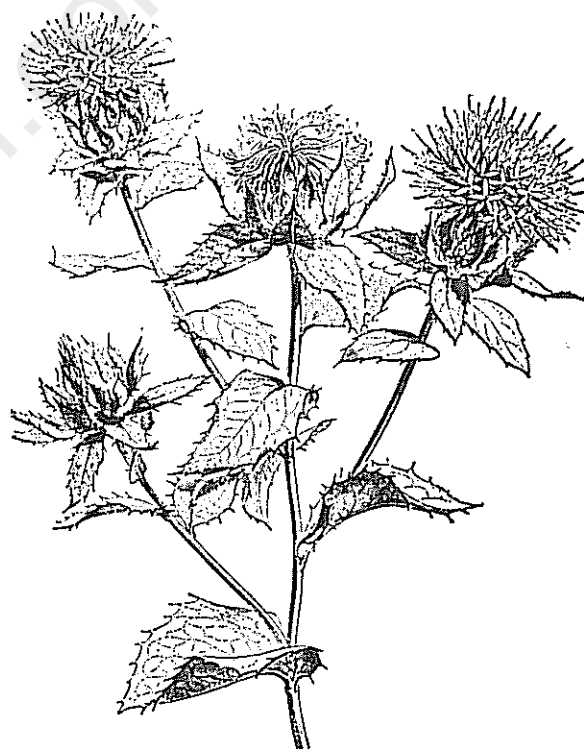
این گیاه برگهای دنداندار با دندانهای منتهی به خارهای ظریف و نوک تیز دارد. شکل ظاهری پهنک برگ آن که از طرفی عاری از تارواز طرف دیگر دارای شبکه‌ای از زگرگهای کاسلا برجسته در سطح تحتانی است، بهترین وسیله تشخیص این گیاه می‌باشد. از اختصاصات آن این است که کاپیتولهای منفرد و محصور در براکت‌هایی با ظاهر برگ مانند دارد. کناره‌های براکت‌های مذکور نیز مانند برگ گیاه، دارای خارهای ظریف و گاهی نیز در بعضی از فرم‌های پرورش یافته، عاری از آن است. گلپایه آن عموماً لوله‌ای و دارای رنگ زرد سبیل به قرمز است ولی تدریجاً، زرد نارنجی می‌شود.

میوه‌اش به صورت فندقه، سفیدرنگ و دارای دسته تار نازک در قسمت انتهایی است.

۱- برای این گیاه و دانه آن بتفاوت در کتب فارسی نامهای کافشه و کاجیره نیز نام برده

ترکیبات شیمیائی - از گل‌های لوله‌ای کاپیتولهای این گیاه، ماده‌ای به رنگ زرد زیبا، محلول در آب و ماده دیگری به رنگ قرمز و محلول در آب قلیائی شده به دست آورده‌اند. ساده‌رنگی اخیر، کارتامین carthamine یا اسید کارتامیک ac. carthamique نامیده می‌شود.

کارتامین Carthamine (اسید کارتامیک Carthamic acid)، به فرمول $C_{21}H_{33}O_{11}$ و به وزن ملکولی ۴۰۰ است. از گل‌های لوله‌ای کاپیتول‌های گل رنگی یعنی *Carthamus tinctorius* L. استخراج می‌شود. سنتز آن توسط Kuroda صورت گرفته است (۱).



ش ۷ - *Carthamus tinctorius* : سرشاخه گلدار اندازه طبیعی

کارتامین، رنگ قرمز تیره دارد و به صورت ذرات ریزگرد مانند وشفاف به دست می‌آید. به مقدار جزئی در آب ولی به مقادیر زیاد در کربنات‌های قلیائی رقیق و در الکل حل می‌شود. در اثر غیر محلول است. محلول‌های آن سریعاً تجزیه می‌گردد. در رنگریزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیوه این گیاه که بغلط دانه خوانده می‌شود، دارای ۳۰ تا ۳۷ درصد از پروتئین‌ها و ۴۰ تا ۶۰ درصد از نوعی مواد چرب قابل استخراج است که پس از تصفیه کامل می‌تواند به به‌صورت تغذیه برسد.

روغن حاصل از سیوه گیاه اگر بدون مداخله گرما تهیه شده باشد، وزن مخصوصی بین ۰.۹۲۰ و ۰.۹۳۸ در گرمای ۱۵ درجه دارد در حالی که اگر این روغن در گرما به دست آمده باشد، وزن مخصوصش زیادتر می‌شود. اندیس صابونی شدن آن، ۱۸۸ تا ۲۰۳ است. این روغن اگر مدتی طولانی در مجاورت هوا قرار گیرد، غلظت حاصل کرده تند می‌شود (Mensier).

اسیدهای چرب اشباع شده آن جمعاً به مقدار ۶ تا ۹ درصد است. نوع اشباع نشده آنها عبارت از اسید اولئیک (۱۶ تا ۲۰ درصد)، اسید لینولئیک (۶۳ تا ۷۲ درصد) و اسید لینولنیک (۱۰ تا ۶ درصد) می‌باشد.

این گیاه و گونه دیگری از آن به نام *C. lanatus* L.، از دوناظر مورد کشت قرار می‌گیرند یکی برای استفاده از ماده رنگی گل‌های لوله‌ای آنها و دیگری برای روغن دانه آنها که پس از تصفیه، قابل خوردن می‌باشد.

پرورش این گیاهان مخصوصاً گونه اصلی، با کاشتن دانه (سیوه) آنها صورت می‌گیرد. در طی ۱۱۰ تا ۱۵۰ روز نیز بتناسب شرایط محیط زندگی، ایجاد گیاه کامل می‌گردد. از محاسن پرورش گل رنگی یکی آن است که سیوه آن پس از رسیدن به زمین نمی‌افتد زیرا هر کاپیتول آن در مجموعه‌ای از پراکنده‌های برگ مانند محصور است و دیگر آنکه پرندگان برای استفاده از دانه گیاه (سیوه) به سوی آن هجوم نمی‌آورند زیرا خارهای تیز و فراوان گیاه و پراکنده‌های اطراف کاپیتول، مانع این کار است.

هر ۱۰۰ کیلوگرم دانه (سیوه) معادل ۳۳ کیلوگرم محصول می‌دهد.

روغن دانه این گیاه اگر هیدروژنه شود، نوعی مارگارین بسیار مرغوب، فاقد بو و طعم از آن نتیجه می‌گردد. از روغن دانه این گیاه در حبشه برای به‌صورت تغذیه استفاده بعمل می‌آید. روغن دانه این گیاه، اثر خشک شونده قوی دارد. در نقاشی برای رنگ کاری‌های روشن و سفید بسیار خوب است. زیرا بر اثر کهنه شدن، رنگ زرد پیدا نمی‌کند.

خواص درمانی - گل و مخصوصاً دانه (سیوه) این گیاه دارای اثر سهلی است. جوشانده ۱۲ تا ۲۴ در هزار آنها در آب و یا امولسیون مقدار ۸ گرم دانه له شده آن در ۱۲۰ گرم آب، مصرف می‌شود. معمولاً قبل از مصرف جوشانده مذکور، مقداری سیوه (دانه) رازیانه یا انیسویا آنزلیک،